

جاوید قربان اوغلی

باماندلا درکشور رنگین کمان

خاطرات سفیر ایران در آفریقای جنوبی



نشرنی

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۵	مقدمه کتاب درباره نلسون ماندلا
۱۹	پیش‌گفتار نویسنده
۲۱	آشنایی با ماندلا و جنبش سیاهان آفریقای جنوبی
۲۷	آپارتاید
۳۷	آفریقای جنوبی، تبعیدگاه رضا شاه
۴۴	ایران و آفریقای جنوبی
۴۵	روابط بازرگانی و وجود اتباع ایرانی در آفریقای جنوبی
۵۵	امام خمینی و نلسون ماندلا
۶۰	آزادی ماندلا و اولین سفر او به ایران
۷۰	حضور کمرنگ در مراسم تحلیف ماندلا
۷۴	ملاقات دکترولایتی با ماندلا
۷۹	هاشمی رفسنجانی و ماندلا
۹۲	سفر خرازی به آفریقای جنوبی
۹۷	درخواست پیام از خاتمی

اولین دیدار، مراسم تسلیم استوارنامه.....	۱۰۲
خانم ابتکار در مراسم تحلیف امبکی.....	۱۰۶
ملاقات دوم - ماندلا تندیس تواضع.....	۱۱۷
حاشیه‌های دیدار با ماندلا.....	۱۲۲
ملاقات سوم - برنامه‌ریزی سفر.....	۱۲۵
در آستانه سفر.....	۱۳۲
دستور لغو سفر.....	۱۳۵
ملاقات چهارم - خروج از بن بست.....	۱۴۱
ماندلا در تهران.....	۱۴۹
ملاقات ماندلا با خانواده اسرای ایرانی در بند اسرائیل.....	۱۵۸
ماندلا در اسرائیل.....	۱۶۱
ملاقات پنجم - گزارش سفر.....	۱۶۵
ملاقات ششم - دیدار خانوادگی با ماندلا.....	۱۶۹
ملاقات هفتم - یک دیدار تلخ.....	۱۷۲
مراسم یکصدمین سالگرد تولد امام خمینی.....	۱۷۹
ملاقات هشتم - حاج سید حسن خمینی و ماندلا.....	۱۸۹
ترور سعید حجاریان، ابراز همدردی ماندلا.....	۱۹۷
ملاقات نهم - بیانیه شجاعانه.....	۲۰۱
بازتاب‌ها و پیامدهای بیانیه ماندلا.....	۲۱۲
ملاقات دهم - دکتر معین و ماندلا.....	۲۱۷
ماندلا: باید با سفیر مشورت کنم.....	۲۲۶
ملاقات یازدهم - خرازی و ماندلا.....	۲۳۲
فراخوانی به وزارت خارجه.....	۲۴۳
ملاقات دوازدهم - عیادت بیمار.....	۲۴۸

ملاقات سیزدهم - بانوی تأثیرگذار.....	۲۵۱
جشن ۸۵ سالگی ماندلا.....	۲۶۰
نشان ویژه.....	۲۶۶
دیدار در تونس.....	۲۷۱
وداع با اسطوره قرن.....	۲۸۰
منابع.....	۲۸۹
اسناد و تصاویر.....	۲۹۱

مقدمه

به:

روح پرفتوح پدر و مادرم و
همسرم که دشواری‌های زندگی مشترک
را با صبوری و بردباری به جان خرید

نگارش خاطرات مأموریت آفریقایی جنوبی توصیه مشفقانه دوست عزیز و فرهیخته‌ام دکتر سعید سمنانیان بود. او قبل از شروع مأموریت در این کشور از من خواست روزانه زمانی را، ولو چند دقیقه، به ثبت خاطرات اختصاص دهم. توصیه مشفقانه او برای چند ماهی آویزه گوشم بود. سعی کردم هر روز، حتی به‌اجمال و تیتروار، وقایع روزانه را یادداشت کنم. پس از چندی به عادت بیشتر ایرانیان و شاید اهالی مشرق‌زمین، کثرت کارها سبب شد این مهم را به آخر هر هفته و ماه واگذارم. همین امر سبب شد از جمع‌آوری و حفظ عکس‌ها و مدارکی که می‌توانست بر غنای این نوشته بیفزاید، غفلت کنم.

پس از گذشت چهار سال و اندی از آن توصیه مشفقانه، در آخرین روزهای حضور در آفریقایی جنوبی با خانم دلامینی زوما، وزیر خارجه، ملاقات کردم. این دیدار در واقع آخرین ملاقات و به منظور خداحافظی در پایان دوران مأموریت در آن کشور بود. بخش عمده ملاقات با وزیر، که یک ساعت و پانزده دقیقه به طول انجامید، به یکی از موضوعات مهم در روابط دو کشور و اندک‌دقایقی نیز به مرور روابط در دوره مأموریت من گذشت. خانم زوما از تلاش‌های صورت‌گرفته برای توسعه روابط تشکر کرد. در خصوص پست آینده‌ام پس از بازگشت به تهران پرسید که پاسخ دادم هنوز اطلاعی از وضعیت کاری پس از پایان مأموریت ندارم، ولی قصد ندارم از حوزه آفریقا جدا شوم چون تقریباً تمام دوران خدمت من در وزارت خارجه، در آفریقا متمرکز بوده است.

دفتر بزرگی تحت عنوان کنسولگری ولی با ظرفیت کامل یک سفارت تمام‌عیار و با رئیس نمایندگی در سطح سفیر، با عنوان ظاهری سرکنسول، داشت که برای رعایت مصلحتی تحریم‌های سازمان ملل تحت عنوان سفارت فعالیت نمی‌کرد. پس از وقوع انقلاب اسلامی، دولت برخاسته از انقلاب روابط خود را با رژیم آفریقای جنوبی قطع کرد که در فصل چهارم به آن می‌پردازیم.

آپارتاید

الکس لاگوما در پیش‌گفتار کتاب ارزشمند آپارتاید، که در سال ۱۹۷۱ میلادی/ ۱۳۵۰ شمسی چاپ شد و شامل مجموعه مقالات نویسندگان و اسناد گروه‌های مبارز است، می‌نویسد:

در جریان سخنرانی‌های متعددی که برای تشریح آپارتاید و تأثیرات آن در انگلستان و کشورهای دیگر ایراد کرده‌ام، اغلب خود را با جمعی مردم ناباور روبه‌رو یافته‌ام که در قبول حقیقت حیرت‌انگیز نژادپرستی در آفریقای جنوبی دچار تردید بودند. می‌گفتند حتماً دارید غلو می‌کنید. آیا به‌راستی وضع به این بدی است؟ (لاگوما، ۱۳۶۰: ۱۰)

آپارتاید و یا آپارتاید (Apartheid) به معنای دقیق آن «از هم جدا بودن» یا «جدایی‌گزینی» است و در چارچوب شرایط خاص آفریقای جنوبی به معنای تمایز نژادی است. واژه آپارتاید برای نخستین بار در ۲۶ مارس ۱۹۴۳ در سرمقاله روزنامه دی بورگر^۱ که وابسته به حزب ناسیونالیست آفریقای جنوبی^۲ بود به کار رفت. نخستین بار از واژه آپارتاید در پارلمان آفریقای جنوبی در روز ۲۵ ژانویه ۱۹۴۶ استفاده شد. در

1. Die Burger
2. National Party

این جلسه دکتر مالان^۱، نخست‌وزیر وقت آفریقای جنوبی، به هنگام پیشنهاد تأسیس یک جمهوری در این کشور ماهیت حکومت مد نظر خود را چنین توصیف کرد: «تضمین امنیت نژاد سفید و تمدن مسیحی از طریق رعایت صادقانه آپارتیهد و قیمومیت».

در آفریقای جنوبی، دو تیره نژاد سفیدپوست وجود دارد؛ یکی هلندی‌هایی که در اواسط قرن هفدهم وارد آفریقای جنوبی شدند و به آنان بوئر^۲ می‌گویند و گروه دیگر سفیدپوستان انگلیسی‌تباری هستند که با تأخیری حدوداً یک‌صدساله وارد این منطقه شدند.

آفریقای جنوبی بر اساس یافته‌های باستان‌شناسان از قدیمی‌ترین مناطقی است که بشر در آن پا گذاشته و اجتماعات بشری در این سرزمین شکل گرفته است، با این حال متأسفانه کتاب‌های انگشت‌شماری درباره تمدن‌های آن دوره وجود دارد و تاریخ مکتوب آفریقای جنوبی با نوشته‌های دریانوردان اروپایی که از راه‌های بازرگانی کمپانی هند شرقی می‌گذشتند شروع می‌شود.

طبق اسناد تاریخی مکتوب ذکر شده، اروپاییان آفریقای جنوبی را در سال ۱۴۸۸ کشف کردند. در این سال دریانوردی پرتغالی به نام بارتولومئو دیاز در مسیر دریانوردی از اروپا به شرق، از گذرگاهی عبور کرد که به هنگام بازگشت به لیسبون این مکان را به سبب طوفان‌های هولناک آن، دماغه توفان‌ها نامید. هنری، دریانوردی که حامی مالی دیاز بود، نام آن را به دماغه امید نیک تغییر داد که اشاره‌ای بود به امیدواری برای گذر امن‌تر از مسیر طولانی و پُر مخاطره اقیانوس اطلس و اقیانوس هند در رسیدن به شرق دور. پرتغالی‌ها از قدیم مردمانی ماجراجو و از پیشگامان دریانوردی در اروپا بودند، اما

1. D. F. Malan

۲. بوئر در زبان هلندی به معنای رعیت و کشاورز است. دلیل اطلاق این عنوان به مهاجران اولیه هلندی مستقر در آفریقای جنوبی این است که عمدتاً رعایای سختکوش اروپایی بودند که از جنگ‌های مذهبی آن روزگار در اروپا فرار کرده و به امید دستیابی به اراضی کشاورزی به آفریقای جنوبی آمده بودند. نیاکان این مهاجران کالوینیست (شاخه‌ای از مذهب پروتستان)، بر اثر فشارهای کاتولیک‌ها و جنگ‌های مذهبی، از اروپا به آفریقای جنوبی مهاجرت کردند. آن‌ها پس از این‌که انگلستان منطقه کیپ را در سال ۱۷۹۷ تصرف کرد، به مناطق شرقی و شمالی مهاجرت کردند و دو جمهوری ترانسوال و اورانژ آزاد را، مستقل از استعمارگران بریتانیایی، تشکیل دادند.

در این منطقه ساکن نشدند. دو قرن بعد در ۶ آوریل سال ۱۶۵۲، یوهان ون رییک هلندی به نمایندگی از کمپانی هند شرقی با اولین گروه از هلندی‌ها وارد منطقه کیپ شد و آن‌جا را به محلی برای تهیه خواربار دریانوردان تبدیل کرد. مسیر دریانوردی اروپاییان که طلایه‌داران استعمار بودند، هم از دریای مدیترانه و تنگه جبل الطارق به اقیانوس اطلس می‌رسید. در آن زمان بخش‌هایی از مستعمرات هلندی‌ها در منطقه جاوه بود و از آن‌جا که در گذشته‌های دور هنوز کانال سوئز ساخته نشده بود، مسیر دریانوردی بین‌المللی به مناطق شرق دنیا بالاچار از جنوبی‌ترین منطقه قاره آفریقا (کیپ) می‌گذشت که محل تلاقی دو اقیانوس اطلس و هند است و از آن‌جا به اقیانوس هند می‌رسیدند.

بر اساس تاریخ مکتوب، هلندی‌ها پس از استقرار در این منطقه طی جنگ‌های طولانی با قبایل محلی در کیپ بالاخره بر این منطقه مسلط شدند. بنابراین، استقرار سفیدپوستان هلندی‌تبار در آفریقای جنوبی سابقه‌ای حدود ۳۵۰ ساله دارد. آن‌ها پس از تصرف بخش‌های زیادی از منطقه آفریقای جنوبی، سیاه‌پوستان را برای کارهای سخت به بردگی گرفتند.

هلندی‌ها برای رفع کمبود نیروی کار، دو گروه را از منطقه جاوه به این سرزمین آوردند. یک دسته بردگانی بودند که برای کار اجباری به این منطقه آورده می‌شدند و دسته دیگر مبارزانی که علیه استعمارگران به شورش برخاسته بودند و به این سرزمین تبعید می‌شدند. گروه بردگان جمعیتی را تشکیل دادند که اکنون مالایی‌های کیپ شناخته می‌شوند.

حدود ۱۵۰ سال پس از ورود هلندی‌ها به کیپ، استعمارگران انگلیسی که از اهمیت استراتژیک منطقه آگاه بودند وارد این ناحیه شدند. بریتانیای کبیر در سال ۱۷۹۷ دماغه امید نیک را تصرف و در سال ۱۸۰۵ این منطقه را جزو مستعمرات خود اعلام کرد. در سال ۱۸۰۶ انگلیسی‌ها با شکست دادن بوئر‌ها (هلندی‌ها) توانستند مناطق تحت تصرف خود را توسعه دهند و منطقه کیپ را به قلمرو مستعمرات بریتانیا اضافه کنند. پس از آن‌که بریتانیایی‌ها کیپ را تصرف کردند، مهاجران سفیدپوست هلندی به سوی فلات آفریقای جنوبی مهاجرت کرده و جمهوری‌های بوئر نشین ترانسفال^۱ و اورانژ آزاد را به ترتیب در سال‌های ۱۸۵۲ و ۱۸۵۴ تأسیس کردند. در کنار این دو جمهوری بوئر نشین در

۱. در زبان انگلیسی: ترانسوال